

متن پرسش

سلام علیکم: در پاسخی که اشاره به همراهی تشیع و خرد خسروانی داشتید، دو مسئله برام بوجود آمد: ۱. ایرانیان با توجه به روحیاتی مثل عدالتخواهی، خرد ورزی، ارتباط با تمدن های مختلف و تمدن سازی و توجه به ارتباط با قطب کائنات هستی آیا می شود گفت در قرن دهم توانستند آن گوهر ناب اسلامی را در بستر تشیع اثنی عشری بیابند تا روح ایرانی_اسلامی شان به ثبات و آن سکینه مطلوب برسد و تا قبل از قرن دهم شاید چنین چیزی کمرنگ تر بود؟ ۲. چرا ایرانیان در برخورد جدی تمدنی، وقتی با فرهنگ اسلامی مواجه شدند حاضر شدند آن را بپذیرند و حتی به تعبیر شهید مطهری با نیرو گرفتن از تعالیمش، تولید محتوا و دستاورد کردند اما در برخورد با مدرنیته و غرب، شتاب لازم را نداشتند و حتی رویکردهای نقادانه و مخالف با آن را اتخاذ کردند و معتقد بودند عناصر و تکنولوژی غربی را باید درون روح ایرانی_اسلامی استحاله کنیم و رنگ بومی دهیم زیرا روح حاکم بر عناصر و تکنولوژی مدرن، با هسته توحیدی ما سازگار نیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور که می‌فرمایید روح مدرنیته، روح تمامیت‌خواه است و در برخورد با فرهنگ سایر ملل، سعی در نفی و تحقیر آن‌ها دارد. لذا ایرانیان اصیل هرگز به استقبال روح مدرنیته نرفتند. در حالی که اسلام، عملاً موجب پرورش و فرآوری خرد ایرانی شد. موفق باشید